

بررسی رابطه بین نحوه گذراندن اوقات فراغت با هویت نوجوانان

فرهاد کیانفر^۱، زهرا شفی پور^۲، سمانه شکیبا^۳

^۱ دکتری مدیریت آموزشی، عضویت هییت علمی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه پیام نور اندیمشک

^۳ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه پیام نور اندیمشک

چکیده

از آنجاییکه انسان در اوقات فراغت می تواند همان چیزی را که می پسندد انجام دهد، شخصیت و هویت اصلی خود را باز می یابد و آن را ابراز می کند، از این رو، قابلیت هایش غالباً در عرصه های اوقات فراغت جلوه گر می شود. و حوزه فراغت بر اساس عوامل و تعیین بخش های متعددی تغییر می کند، تغییراتی که کاملاً متأثر از متغیرهای تعیین کننده هویت است. همچنین فرآیندهای مدرن، مسائل جدیدتری را در هویت یابی جوانان ایجاد کرده است. در این میان، اوقات فراغت از اهمیت خاصی برخوردار است. در جامعه مدرن، اوقات فراغت به عنوان فعالیتی مصرفی، عرصه خاصی از تجربه انسانی است که امتیاز آن برای افراد، داشتن حق انتخاب، خلاقیت، رضایتمندی و لذتی است که خود، لذت و شادی بیشتر را به دنبال داشته و به آن ها امکان می دهد هویت های اجتماعی مطلوب خویش را ابراز کنند و گاه تایید دیگران را نسبت به آن بدست آورند. در نهایت اوقات فراغت، منشأ شناخت و به رسمیت شناخته شدن دوران جوانی و هویت آنان است. که هدف در این پژوهش بررسی تاثیر نحوه گذراندن اوقات فراغت در شکل گیری هویت نوجوانان است.

واژه های کلیدی: اوقات فراغت، هویت، هویت اجتماعی، هویت نوجوانان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پدیده اجتماعی اوقات فراغت و نحوه گذران آن تاریخچه طولانی دارد. بحث و بررسی موضوع اوقات فراغت از شاخه‌های جدیدی است که در جامعه شناسی معاصر ایجاد شده است و هر روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. برخی از پژوهشگران معتقدند که فراغت پدیده‌ای است که با تمدن صنعتی پیوند دارد و نتیجه رشد صنعت و جامعه مصرفی بوده است. اما عده‌ای دیگر معتقدند که در سراسر تاریخ زندگی بشر وجود داشته و خاص زمان مشخصی نیست. هر کشوری در هر مقطعی از تاریخ که قرار داشته باشد، با مسئله اوقات فراغت مردم روبروست و نحوه گذران آن به عوامل مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هر جامعه مرتبط می‌باشد [۱].

در نتیجه رشد اقتصادی، ماشینی شدن کار، افزایش دستمزدها و گسترش وسایل تفریح و فراغت، جامعه‌ای در غرب صنعتی پدید آمد که به مقوله تفریح و فراغت بسیار اهمیت می‌داد [۲]. اوقات فراغت یکی از پدیده‌هایی است که توجه بسیاری از صاحب‌نظران به ویژه جامعه‌شناسان و متخصصان علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است. جامعه‌شناسان، فراغت را واقعیتی کاملاً تازه تصور می‌کنند که در نتیجه انقلاب صنعتی و توسعه اجتماعی و اقتصادی جهان امروز پدید آمده است. امروزه فعالیت‌های اوقات فراغت از چنان اهمیتی برخوردار شده است که کارشناسان از آن به مثابه آیین فرهنگی یاد می‌کنند. در این معنا، چگونگی گذران اوقات فراغت افراد یکه جامعه به میزان زیادی معرف خصوصیات فرهنگی آن جامعه است [۳]. بنابراین با ظهور این جامعه که تمایزات سنتی در آن تا اندازه‌ای محو می‌شدند. وفور اقتصادی، شرایطی را پدید آورده بود که تحلیل کنش‌های افراد بر مبنای مفاهیمی نظیر طبقه اجتماعی بیش از حد ساختارگرایانه به نظر می‌رسید و ظاهراً باید جایی برای تحلیل خلاقانه‌تر کنش تحلیلی که آزادی بیشتری برای افراد قائل شود باز می‌شد. در چنین جامعه‌ای، به نظر می‌رسید الگوهای طبقاتی برای پیش‌بینی اینکه چه کسی چه چیزی مصرف می‌کند، مناسب نیستند. به تدریج مفهوم بک زندگی در تنازع میان شواهدی از کمرنگ شدن الگوهای تبیین طبقاتی و تقویت دایره اختیار افراد در گزینش شیوه‌های زندگی نضج گرفت [۲] به اعتقاد گیدنز فرد امروزه با تنوع گسترده‌ای از انتخاب‌ها روبه‌روست. این تنوع زیاد امنیت هستی‌شناختی را با مشکل مواجه می‌سازد. از همین رو افراد برای آنکه مجبور نشوند در هر لحظه تصمیمی اتخاذ کنند، مجموعه‌ای از انتخاب‌ها را به صورت الگومند، پذیرا می‌شوند. این مجموعه الگومند، راهنمایی برای کنش می‌شود و فرد را از این معضل که در هر لحظه مجبور به تصمیم‌گیری آگاهانه باشد، می‌رهاند. هر سبک زندگی "مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌ها و بنابراین برخوردار از نوعی وحدت است که علاوه بر اهمیت خاص خود از نظر تداوم امنیت وجودی، پیوند بین گزینش‌های فرعی موجود در یک الگوی کم‌وبیش منظم را نیز تأمین می‌کند" [۴].

در جامعه مدرن، اوقات فراغت به عنوان فعالیتی مصرفی، عرصه خاصی از تجربه انسانی است که امتیاز آن برای افراد، داشتن حق انتخاب، خلاقیت، رضایت‌مندی، و لذتی است که خود، لذت و شادی بیشتر را به دنبال داشته و به آن‌ها امکان می‌دهد هویت‌های مطلوب خویش را ابراز کنند و گاه تایید دیگران را نسبت به آن بدست آورند. به تعبیر دیلینی (۲۰۰۳) امروزه نحوه گذران فراغت را شاید از مهم‌ترین شاخص‌هایی بدانند که بهتر از هر چیز دیگر، حتی مشاغل افراد، گویای شخصیت واقعی آنان است. به این ترتیب، امروزه اوقات فراغت بدل به نیازی ضروری برای انسان‌ها شده؛ نیازی که در کنار کارکردهای کلاسیک خود، مبنائی برای هویت‌سازی و هویت‌یابی افراد فراهم آورده است [۵].

^۱ free time

^۲ Giddens

^۳ Identity

^۴ Dileini

در دهه های اخیر، جامعه شناسان اوقات فراغت و صاحب نظرات " مطالعات فرهنگی " با پیوند مولفه های تشکیل دهنده اوقات فراغت با هویت اجتماعی، افقی نوین در این عرصه پژوهشی گشوده اند. تحلیل نقش اوقات فراغت در فضای مدرن و رابطه آن با هویت اجتماعی، نشانگر افزایش اهمیت فراغت در جامعه معاصر است. از این منظر، مطالعه اوقات فراغت، افزون بر فراهم ساختن بستر مناسب برای برنامه ریزی های فرهنگی و اجتماعی- که این مهم به ویژه در جامعه جوان ایران از اهمیتی مضاعف برخوردار است- این امکان را فراهم می سازد تا در پرتو نظریه های مختلف و سنجش ارتباط آن با دیگر متغیرهای اجتماعی الگوی نظری مناسبی برای تحقیق در این عرصه ارائه گردد [۳].

مبانی نظری تحقیق

" اوقات " در لغت به معنای زمان ها و " فراغت " به مفهوم آسایش، استراحت، آسودگی و رهایی از کار است. در زیر تعریف مختلف " اوقات فراغت " از سوی صاحب نظران به صورت خلاصه بیان می شود:

- توران معتقد است اوقات فراغت، رهایی از قوانین و مدل های رفتاری پذیرفته شده اجتماعی است [۶].
- فرصت و زمانی که پس از انجام کار و شغل روزانه باقی می ماند؛ سرگرمی ها، تفریحات و فعالیت هایی که به هنگام آسودگی از کار عادی با شوق و رغبت به آن ها می پردازند یا آزاد شدن از فعالیت های روزانه برای رسیدن به رشد و شکوفایی [۷].

" اوقات فراغت " یک مفهوم فرهنگی، و جزئی از نظام فرهنگی است و در ارتباط با خرده نظام شخصیتی، در پی تحقق مطلوبیت فردی اعضای جامعه بوده، کارکرد عمده آن، علاوه بر تامین نیازهای فراغتنگران، نوعی کارکرد اجتماعی راستای اجتماعی شدن و انتقال ارزش ها و هنجارها، تامین حیات اجتماعی و ایجاد تعادل و توازن در نظام اجتماعی است [۳].

اهمیت اوقات فراغت

بحث در مورد پر نمودن بهینه اوقات فراغت نوجوانان و جوانان از آن حیث مهم است که این اوقات همچون شمشیری دولبه است؛ لبه ای از آن می تواند رشدهنده و اصلاحگر باشد و لبه ای دیگر زایل کننده نیروی جوانی و حتی بیهودگی و فسادانگیز. به همین علت، می توان ادعا نمود نحوه گذراندن اوقات فراغت، چه از جنبه های مثبت و سازنده و چه از جنبه های مخرب و فسادانگیز، در حدی است که سایر جنبه های زندگی هر فرد را به طور چشمگیری تحت الشعاع قرار می دهد. بنابراین، فعالیت های مربوط به اوقات فراغت بسته به سازنده یا نامطلوب بودن آن، در رشد و شکوفایی و یا بعکس در تخریب و انحطاط شخصیت نوجوانان و جوانان مؤثر است [۸].

بنابراین، بهره گیری از ساعات و ایام فراغت، عامل مهمی در پیش گیری از تأثیرات نامطلوب « فشار زمان » همچون اضطراب و هیجان زدگی است و نقش بسزایی در تأمین بهداشت روانی و تبلور اندیشه های آزاد خواهد داشت [۸].

به دلیل همین اهمیت، متفکران بسیاری درباره آن اظهار نظر کرده اند. برای نمونه، فرانسیس دوکه می گوید: به من بگویند اوقات فراغت خود را چگونه می گذرانید تا بگویم که هستید و فرزندانان را چگونه تربیت می کنید. جان فوراستیه^۶ می گوید:

فراغت هدیه ای است که به ما عطا کرده اند، اما شیوه استفاده از آن را نمی دانیم. تاگور^۸ می نویسد:

تمدن های انسانی سرمایه های جاویدانی هستند که از کاشت، داشت و برداشت های صحیح اوقات فراغت متجلی گشته اند

^۲ Turan

^۱ Francis Duke

^۶ John Forresty

^۸ Tagore

مفاهیم اوقات فراغت را در چند طبقه دسته‌بندی می‌کند:

اوقات فراغت به عنوان بازمانده وقت، اوقات فراغت به عنوان فعالیت، اوقات فراغت از دید عملکردی، اوقات فراغت از دید آزادی عمل.

اوقات فراغت به عنوان بازمانده وقت: اوقات فراغت به عنوان اوقات غیر موظف در نظر گرفته شده یعنی اوقات اختیاری که پس از اوقات کاری و انجام امور مربوط به امرار معاش باقی می‌ماند و شخص می‌تواند با آزادی نسبی به هر شغلی که دوست دارد بپردازد.

اوقات فراغت به عنوان فعالیت: در اینجا توجه از شخص به سرشت فعالیت‌های انجام شده مانند ورزش، تماشای تلویزیون، هنر، رقص، سرگرمی‌ها، تعطیلات، بازی‌های برد و باختی (قمار) و صرف نوشیدنی‌ها معطوف شده است. اغلب، این فعالیت‌ها را شادی بخش و دلپذیر توصیف می‌کنند و نام تفریح بر آن می‌نهند.

اوقات فراغت از دیدگاه عملکردی: از این دیدگاه فعالیت‌های اوقات فراغت عبارت است از انجام اعمالی مفید برای اشخاص و به طور خاص برای جامعه؛ بنابراین، از این نظر اوقات فراغت ابزاری است برای نیل به اهداف مطلوب و پذیرفته شده اجتماعی. **اوقات فراغت از دیدگاه آزادی عمل:** آدمی زمانی اوقات فراغت دارد که از پایبندی‌هایی که دیگر لایه‌های زندگی را فرا گرفته رهایی یابد؛ بنابراین، اوقات فراغت با آزادی و امکانات اینکه شخص خودش باشد و خویشتن خویش را بروز دهد، ارتباط دارد. از دیدگاه تاریخی، این نوع نگرش به اوقات فراغت مربوط به گروه "ممتاز" است که از نظر استقلال مالی و وقت به قدری مرفه بوده‌اند که می‌توانستند تحت شرایط آزمونی، شیوه‌ای از زندگی را فراهم آورند که مبتنی بر اوقات فراغت باشد [۲].

زمینه‌ها و فعالیت‌های اوقات فراغت

فراغت بستگی به عوامل گوناگونی دارد. تغییرات گوناگون اجتماعی در جوامع، ماهیت فراغت و نحوه گذران آن را دگرگون کرده است. "اوقات فراغت در هر کشور تابعی از نظام سیاسی آن کشور است. در نظام‌های دموکراتیک فعالیت‌های اوقات فراغت بیشتر به عهده مؤسسات خصوصی است، در حالی که در نظام‌های دیکتاتوری مانند آلمان قبل از جنگ، اوقات فراغت مردم را برنامه‌ریزی و بر اساس اهداف دولتی جهت می‌دهند" [۱۰].

اهم فعالیت‌ها و زمینه‌های گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان، در ۱۲ مورد به شرح ذیل ارائه می‌گردند:

ورزش

هنر و فعالیت‌های مربوط به آن

برنامه‌های کانون‌های فرهنگی و تربیتی

ویدئو

≠ برنامه‌های پایگاه مقاومت بسیج

سینما

کتابخوانی

برنامه‌های رادیویی
برنامه‌های تلویزیونی
مطالعه روزنامه‌ها
پارک‌های شهری و گذران اوقات فراغت
رایانه، اینترنت، ماهواره

نظریه‌های اوقات فراغت

نظریات مختلفی در رابطه با اوقات فراغت پرداخته می‌شود اما بطور کلی می‌توان همه آنها را در قالب ۲ رویکرد قرار داد: رویکرد روانشناختی: در این رویکرد نظریاتی قرار می‌گیرند که نقش و کارکرد اوقات فراغت را از منظر عوامل روانی و فردی نگاه می‌کنند و توجه چندانی به ساختار کلی نشان نمی‌دهند. رویکرد جامعه‌شناختی: در این رویکرد تأکید بر ساختارهای کلی دارند و نقش و کارکرد اوقات فراغت را بر اساس متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تبیین می‌کنند.

نظریه پارکر^۱: پارکر برای اوقات فراغت ارزش مستقل و جدایی از کار قایل نمی‌باشد و برای اوقات فراغت تا آنجا ارزش قایل می‌شود که بتواند فرد را برای کار آماده سازد. الگوی پارکر فقط افراد شاغل را در نظر دارد و سایر قشرها را نادیده می‌گیرد (پارکر، ۱۹۷۱). پارکر برای اوقات فراغت و کار سه الگوی مختلف تداوم یا استمرار، تباین و تداخل را پیشنهاد می‌کند. فقدان مرزهای مشخص بین کار و فراغت از ویژگی‌های اصلی و الگوی تداوم یا استمرار است. نمونه این الگو را می‌توان امدادگران اجتماعی، پزشکان، معلمان و تاجران دانست. خصیصه اصلی الگوی تباین کار و فراغت تعیین مرزهای مشخص این دو قلمرو است. الگوی سوم (تداخل) را برگر مشاغل "خاکستری رنگ" معرفی می‌کند و شامل فعالیت‌هایی که تفاوت بین کار و فراغت آنقدر نیست که بتوان یکی را به دیگری تعریف کنیم. کارمندان عادی در این الگو جای می‌گیرند [۱۱].

نظریه زیمل^۱: زیمل نخستین جامعه‌شناسی بود که به جهان فراغت و مصرف‌گرایی توجه کرد. او در مقاله‌ای به نام "مد" دلایل تغییر مد، آشپزی، پوشاک، هنر،... را در فرهنگ مدرن جستجو می‌کند و انواع گسترده‌ای از انتخاب را برای مصرف‌کننده عرضه می‌کند. او به شیوه‌ای خاص، ماجراجویی را از گونه اجتماعی مدرن می‌داند، فردی که در ماجراجویی درگیر می‌شود و می‌کوشد از جریان‌های یکنواخت زندگی روزانه بیرون رود و در قلمرو فعالیتی با قواعد و آهنگی متمایز و ویژه گام نهد [۱۱].

کاربردهای اوقات فراغت

مسلم است چگونگی صرف اوقات فراغت تحت تاثیر فرهنگ هر جامعه متفاوت است که به تناسب جهان‌بینی، اعتقادات، سواد و معلومات، سن، جنس، محل زندگی، میزان درآمد وجود نیازهای کاذب در جامعه دارد. ژوزف دومازدیه برای فراغت سه وظیفه یا عملکرد را بر شمرده است:^۱

۱. رفع خستگی ۲. تفریح و سرگرمی ۳. توسعه و رشد انسانی.

و امکان تشخیص دادن قسمتی از زمان آزاد برای بالا بردن سطح معلومات، مشارکت آزاد اجتماعی و پرورش استعدادها. برخی گفته‌اند فراغت باعث تعدیل بین شرکت در خانواده و شرکت در جامعه می‌شود [۱۲].

^۱ Parker

^۲ Simmel

^۳ Joseph Dumas

مفهوم هویت

مفهوم هویت یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم علوم انسانی است که تعریف و بررسی آن به حوزه خاصی از دانش اختصاص نداشته و ردپای آن را در تمامی عرصه‌های علوم انسانی از جمله روان‌شناسی، علوم سیاسی، علوم اجتماعی، تاریخ و غیره می‌توان یافت؛ اما بنا به نظر اکثر محققان و صاحب‌نظران حجم اعظم مباحث و ادبیات مربوط به هویت را باید در قلمرو علوم اجتماعی جست‌وجو کرد؛ زیرا "هویت" به مفهوم علمی آن، از ساخته‌های تازه علوم اجتماعی است که نیمه دوم قرن بیستم به جای "خلق و خوی فردی و جمعی" رواج یافته است. از لحاظ لغوی هویت از کلمه Identitas مشتق شده و به دو معنای ظاهراً متناقض به کار می‌رود: ۱- همسانی و یکنواختی مطلق، ۲- تمایز که در برگیرنده ثبات یا تداوم در طول زمان است. این دو معنای متضاد و متناقض در اصل به دو جنبه اصلی و مکمل هویت معطوف می‌باشند. پرچم‌دار نظریه هویت اجتماعی جرج هربرت مید است که فرآیند دست‌یابی فرکد به احساس و برداشتی کامل از خویشتن را بررسی می‌کند. از دیدگاه مید تصویری که فرد از خود می‌سازد و احساسی که نسبت به خود پیدا می‌کند، بازتابی نگرشی است که دیگران نسبت به او دارند [۱۳].

همچنین مفهوم شناسی هویت در فرهنگ معین هویت به معنای ذات باری تعالی، هستی، وجود، و آنچه موجب شناسایی شخص شود آمده است و در فرهنگ امید هویت به معنای حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، اشاره شده است. به یک معنا هویت عبارت است از آنچه سبب تشخیص و یا آنچه موجب شناسایی فرد می‌شود. بنابراین هویت عبارت است از مجموعه ویژگی‌ها، شناسه‌ها و الگوهای رفتاری اکتسابی که فرد، قوم، ملت و تمدنی را از دیگر اقوام، ملل و تمدن‌ها متمایز می‌سازد [۱۴].

تعریف هویت

هویت یا کیستی به مجموعه نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیات فرد و آنچه وی را از دیگران متمایز می‌کند، گفته می‌شود. هویت عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، روانی، فرهنگی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات گروه، به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر دخالت کند و آنها را در یک ظرف مکانی و زمانی معین به طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متعلق به آنها متمایز سازد [۱۵].

بررسی مقایسه‌ای نظریه‌های هویت و هویت اجتماعی

جان ا. استس و پیتر جی. برک در مقاله مبسوطی در سال ۲۰۲۰م. به بررسی و مقایسه نظریه‌های هویت و هویت اجتماعی پرداختند. به نظر آنها این دو نوع نظریه بسیار به هم نزدیک بوده و هم‌پوشانی دارند و در یک نظریه کامل از هویت باید نقش فرد و گروه توأمان در نظر گرفته شود [۱۶]. سؤالی که در این رابطه مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان "هویت اجتماعی" را تعریف کرد؟

در پاسخ باید گفت به طور کلی دو ادراک از هویت اجتماعی در جوامع غربی (و شاید دیگر جوامع) رایج است: در ادراک اول فرض این است که هویت فردی و جمعی از نظر کیفی تفاوت دارند.

^{۱۳} George Herbert Mead

^{۱۴} John A. Steve and Peter J. Burke

این فرض مبتنی بر یک اصل بدیهی بنیادی است که می‌گوید اشیایی انضمامی وجود دارند که افراد نامیده می‌شوند و در مقابل آن چیز انتزاعی دیگری وجود دارد که به آن "جامعه" می‌گویند. این هستی‌شناسی که به شدت مورد انتقاد واقع شده است، مرجعیت مداوم جامعه‌شناختی خود را از سنت دورکهایم و طیف گوناگون دیدگاه اثبات‌گرایانه کسب کرده است. الگوی برخاسته از این هستی‌شناسی بر این فرض است که یکی از دیگری مهم‌تر است و امر کلان‌تر به امر خردتر تعیین می‌بخشد [۱۷].

اندیشمندان کارکردهای مختلفی را برای اوقات فراغت جوانان در نظر گرفته‌اند:

- ۱- استراحت، تجدید قوا و تمدد اعصاب
- ۲- تفریح و سرگرمی (دوری از) فعالیت‌های منفی
- ۳- رشد شخصیت و برقراری تعادل در شکل‌گیری هویت
- ۴- کسب معلومات و ارتقای آگاهی‌ها
- ۵- پرورش و شکوفایی استعداد و خلاقیت‌ها
- ۶- برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت جوانان ضمن اینکه نقش مکمل در برنامه‌های رسمی تربیتی آنان ایفا می‌کند، مانع از گسترش بزهکاری شده و در شکل پیشرفته، خود جوانان را مسئولیت‌پذیر، جامع و مشارکت‌جو بار می‌آورد [۱۸].

بررسی هویت از دیدگاه‌های مختلف

رهیافتی فلسفی

از دیدگاه فلسفی در رابطه با هویت، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. عده‌ای معتقدند که اصلاً مفهومی به نام هویت وجود ندارد و نگاه ذات‌گرایانه به هویت را نفی می‌کنند و بر این باورند که هویت امری قراردادی است که صرفاً به شرایطی بر می‌گردد و هویت‌ها در گفتمان‌های مختلف شکل‌های مختلفی به خود می‌گیرند. پست مدرنیست‌ها در این گروه قرار می‌گیرند. گروه دوم، بر عکس معتقدند که هویت به طور همزمان حامل یک عنصر ثابت و یک عنصر پویاست، از یک سو رجوع به مفهوم هویت بیانگر استمرار و تداوم تاریخی است اما از سویی دیگر، هویت دائماً در معرض فرآیند تعریف و باز تولید است [۱۹].

هویت از دیدگاه روان‌شناسی

در روانشناسی، هویت و احساس هویت یکی از مشخصات فرد تلقی می‌شود. احساس هویت عبارت است از احساس انسان نسبت به استمرار حیات روانی خود می‌باشد و یگانگی و وحدتی که در مقابل اوضاع و احوال متغیر خارج همواره در حالات روانی خود احساس می‌کند. در روانشناسی از واژه هویت نخستین بار فروید، آن هم به طور تصادفی استفاده کرد سپس آن را با معمای ضمنی روانی - اجتماعی در آمیخت [۱۹].

دیدگاه کنش متقابل نمادین

چشم‌انداز کنش متقابل نمادین، در اصل بر روی چگونگی اجتماعی شدن فرد و چگونگی تشکیل خود تمرکز نموده است. مطابق با این نظریه زندگی اجتماعی مستلزم نوعی ارتباط است و یک چنین ارتباطاتی تا اندازه زیادی نمادین هستند و ماهیت کنشگران نیز در طی کنش متقابل شکل می‌گیرد. همچنین بر اساس این دیدگاه قسمت اعظم برداشت‌ها و تصورات ما از خویشتن به نوعی به تصور و برداشت دیگران از ما وابسته است [۱۹].

^{۱۴} Doukk

^{۱۵} Freud

سبک‌های هویت

سبک اطلاعاتی: افراد دارای سبک اطلاعاتی به صورت فعال و آگاهانه به جست و جوی اطلاعات و ارزیابی آنها می‌پردازند و سپس اطلاعات مناسب را استفاده می‌کنند.

سبک هنجاری: در سبک هنجاری، فرد در مواجهه با مسائل به شیوه‌ای واکنشی و هماهنگ با انتظارات گروه‌های مرجع و دیگران عمل می‌کند و به صورت خودکار و بدون خودارزیابی، ارزش‌ها و باورها را درونی می‌کند. این سبک با ویژگی‌هایی مانند وظیفه‌شناسی مفرط، کمک خواهی، ناشکیبایی و میل شدید به ساختارمندی قضایا، خودپنداره پایدار و عدم تمایل به بررسی اطلاعات ناهمگام با ارزش‌ها و باورها رابطه دارد.

سبک سردرگم/اجتنابی: افراد دارای سبک سردرگم/اجتنابی، اهمال‌کارند و تا حد ممکن سعی دارند موقعیت‌های تعارض بر انگیز و مستلزم تصمیم‌گیری را به تأخیر بیندازند؛ در مواقعی که امکان چنین تأخیر وجود نداشته باشد، در تصمیم‌گیری بیشتر به مقتضیات و پیامدهای محیطی تکیه می‌کنند. در مواقع تصمیم‌گیری حس ترس و اضطراب نیز دارند و در این موقعیت‌ها اغلب از راهبردهای نامناسب مانند اجتناب، بهانه آوردن و دلیل تراشی استفاده می‌کنند، رفتار آنها موقعیتی بوده، الگویی مشخص ندارد. این سبک هویت با هیجان‌مداری، راهبردهای نامطلوب تصمیم‌گیری، خودآگاهی محدود، دیگر پیروی و به کارگیری راهبردهای اسنادی و شناختی ناکارآمد رابطه دارد [۲۰].

انواع هویت

هویت فردی

فرد به این چند سؤال پاسخ دهد که :

-این من یا خویشتم کیست؟

-چه نسبتی میان من و جهان برون وجود دارد؟

-میان تن و روان من چه رابطه‌ای است؟ [۲۱].

هویت خانوادگی

هرچند ارائه تعریفی دقیق از هویت خانوادگی نسبتاً دشوار است ولی در یک عبارت کوتاه می‌توان گفت که منظور از این نوع هویت، تعیین نسبت میان جوان و خانواده اوست و این‌که چه پیوندهایی میان آنان وجود دارد؟ [۲۲].

هویت ملی

از نظر میلر ، برای اینکه هویت ملی معلوم شود، باید چستی ملت روشن گردد. به زعم وی یک اجتماع به واسطه باور مشترک و تعهد متقابل، قدمت تاریخی، منش فعال، وابستگی به یک قلمرو خاص، ملیت را از دیگر منابع هویت متمایز می‌سازد. میلر برای هویت ملی چندین ویژگی در خور توجه بیان کرده است:

۱- ملت‌ها زمانی پدید می‌آیند که اعضا یکدیگر را به عنوان هم‌وطن بپذیرند و باور کنند که در ویژگی‌های مناسبی مشترکند.

۲- هویتی است که تداوم تاریخی را تجسم می‌بخشد.

۳- هویت ملی فعال است. ملت‌ها اجتماعی هستند که با یکدیگر عمل می‌کنند، تصمیم می‌گیرند و به نتیجه می‌رسند.

²¹ Miller

- ۴- هویت ملی، پیوند یک گروه از مردم به مکان جغرافیایی خاص است.
 ۵- هویت ملی مستلزم شراکت افراد در یک فرهنگ عمومی است [۲۳].

هویت دینی

بر کسی پوشیده نیست که انسان فطرتاً خداجو آفریده شده است و میل و گرایش باطنی به خدا دارد. به عبارتی از آموزه‌های ذاتی مختص انسان که تعبیر به فطرت می‌شود در سه بعد معرفتی و شناختی، گرایشی (حس مذهبی) و توانشی به ترتیب در انسان حس خدایابی و میل به خداگرایی و توانایی قرب الی‌الله وجود دارد که در نهاد آدمی به ودیعه گذاشته شده است. چنان که خداوند در قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: « فذكر إنما أنت مذكر (غاشیه/۲۱). ای پیامبر یادآوری کن که تو تنها تذکار دهنده‌ای به عبارتی هویت دینی که ریشه در فطرت آدمی دارد، می‌تواند با تکوین و شکوفایی آن پیامدهای مثبتی در حوزه فردی و اجتماعی به دنبال داشته باشد، از جمله احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزش‌ها و باورها، هدفمندی و جهت‌دهی فرد و جامعه که خود این امر بازخوردهای مثبت و اثربخش خویش را در عرصه‌های مختلف فردی (هویت دینی به عنوان مکتب خودسازی و انسان‌سازی) و اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شفافیت و نمود می‌بخشد [۱۴].

هویت اجتماعی

هویت اجتماعی: هویت اجتماعی به همسانی و شباهت بین افراد در گروه اشاره دارد و جدا از دنیای اجتماعی دیگر افراد معنا ندارد. هویت جمعی، نشان دهنده تعلق فرد به یک جمع می‌باشد. هویت اجتماعی، هویتی است که فرد در فرایند اجتماعی شدن و در ارتباط با گروه‌ها یا واحدهای اجتماعی موجود در جامعه، کسب می‌کند و مشخص‌ترین آنها گروه یا واحد اجتماعی یا حوزه و قلمروی است که خود با ضمیر "ما" به آن اشاره می‌کند و خود را از لحاظ عاطفی و تعهد و تکلیف، متعلق و منتسب و مدیون به آن می‌داند. مثلاً ما ایرانی‌ها، ما مسلمانان، ما کردها، ما لرها و ما انسان‌ها که می‌توان آن را به ترتیب در سطوح مختلفی از هویت‌های کوچک و خاص گرایانه تا هویت (گرایانه‌های بزرگ و عام یعنی از هم خانواده، هم طایفه، هم روستا، هم‌شهری، هم قوم، هم مذهب، هم کشور تا بالاترین سطح آن یعنی هم‌نوع) مقوله‌بندی کرد [۲۴].

هویت فرهنگی

هویت فرهنگی هویت یا حس تعلق به یک گروه است. این احساس بخشی از خودآگاهی و درک شخصی شخص و مربوط به تابعیت، قومیت، دین، طبقه اجتماعی، یا هر گروه اجتماعی دارای فرهنگ متمایز خود است. هویت فرهنگی هم مشخص کننده فرد و هم گروه افرادی که هویت فرهنگی یکسان دارند را مشخص می‌کند [۲۵].

هویت تمدنی

معرفت و آگاهی عمیق آدمی به تمدنی است که منسوب به آن می‌باشد. درک چنین هویتی به فرد این امکان را می‌دهد که احساس نماید در سرزمینی زندگی می‌کند که ریشه‌های فرهنگی آن تا اعماق تاریخ کشیده شده است و این احساس، تعلق و ارتباط به آن تمدن و در نتیجه شکل‌گیری «هویت تمدنی» می‌شود. احساس تعلق به یک تمدن به معنای وابستگی به تمامی مظاهر آن تمدن و از جمله مشاهیر، افتخارات، میراث‌ها و ارزش‌های آن می‌باشد [۲۶].

پیشینه تحقیق

افشار کهن و رضایی کرمانجی (۱۳۹۵) در تحقیقی تحت عنوان بررسی نقش هویت اجتماعی در تعیین سبک زندگی جوانان (شهر همدان) به این نتیجه رسیدند که هویت مذهبی نقش مهم و تعیین کننده‌ای در میزان فعالیت‌های دینی و علاقه-مندی‌های مذهبی جوانان دارد. در مقابل هویت گروهی نقش برجسته و تعیین کننده‌ای در میزان فعالیت‌های گروهی، تفریحی و علاقه‌مندی‌های ورزشی جوانان و همچنین میزان نگرش‌های مدرن در آن‌ها دارد [۱۳].

نظر پور و محمدی (۱۳۹۴) در تحقیقی تحت عنوان شکل‌گیری هویت اجتماعی در گذراندن اوقات فراغت به این نتیجه رسیدند که بحث در مورد پر نمودن بهینه اوقات فراغت از آن جهت مهم است که این اوقات همچون شمشیری دو لبه است؛ لب‌های از آن می‌تواند رشد دهنده و اصلاح‌گر باشد و لب‌های دیگر زایل کننده نیروی جوانی و حتی بیهودگی و فساد انگیز. به همین دلیل می‌توان ادعا نمود نحوه گذران اوقات فراغت، چه از جنبه‌های مثبت و سازنده و چه از جنبه‌های مخرب و فسادانگیز، در حدی است که سایر جنبه‌های زندگی هر فرد را به طور نامطلوب بودن آن، در رشد و شکوفایی و یا بعکس در تخریب و انحطاط شخصیت و هویت نوجوانان و جوانان موثر است [۳].

حبیبی و بلیان اصل (۱۳۹۴) در تحقیقی تحت عنوان رابطه بین نحوه گذران اوقات فراغت و هویت ملی دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز به این نتیجه رسیدند که فراغت مجازی و فراغت ورزشی در هویت ملی تاثیر منفی و معکوسی داشته است. فراغت مذهبی در هویت ملی تاثیر مثبت و مستقیم داشته است. فراغت فرهنگی، فراغت عامیانه، تحصیلات و سن در هویت ملی، تاثیری ندارد. جنسیت، وضعیت تاهل، منطقه سکونت و شغل در هویت ملی تاثیر دارد. مجموع این متغیرها ۵۱٫۵ درصد از تغییرات هویت ملی دانشجویان را تبیین می‌کنند [۲۷].

دعاگوی (۱۳۹۲) در تحقیقی تحت عنوان نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان و رابطه هویت جنسی با آن نشان داد که نتایج آزمون فرضیه‌ها مشخص کرد که بین نوع هویت و مطالعه آزاد داشتن، رابطه معنی‌داری وجود ندارد. اما بین گوش دادن به اخبار، مطالعه روزنامه، مشارکت در انجمن‌های علمی، گوش دادن به موسیقی، رفتن به باشگاه و ساعات اختصاص داده شده به ورزش، میزان استفاده از اینترنت، عضویت در شبکه‌های مجازی، خاطره نویسی و گذران وقت با دوستان در اوقات فراغت با نوع هویت رابطه‌ای معنادار وجود دارد. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر به نظر می‌رسد علیرغم سپری شدن نزدیک به دو سده از ورود اولین طلایع‌های مدرنیزاسیون به ایران، هویت زنان و نیز نحوه گذران اوقات فراغت تاثیر کمی از آن پذیرفته است [۲۸].

میرزایی ملکانی (۱۳۹۰) در تحقیقی تحت عنوان رابطه بین نحوه گذران فراغت و هویت اجتماعی جوانان شهر تهران به این نتیجه رسید که جوانان، هویت اجتماعی خویش را به طور مداوم و روزمره، به طرق مختلف، بویژه از طریق نحوه گذران فراغت، ایجاد می‌کنند و در فعالیت خویش، به طرز بازتابی مورد حفاظت و پشتیبانی قرار می‌دهند [۲۹].

ربانی و شیری (۱۳۸۸) در تحقیقی تحت عنوان اوقات فراغت و هویت اجتماعی به این نتیجه رسیدند که نتایج تحقیق بیانگر نقش تعیین کننده "طبقه اجتماعی و ترکیب همزمان" جنسیت با طبقه اجتماعی در خطوط تمایز و تفاوت الگوهای گذران اوقات فراغت است. حوزه فراغت در تهران به عنوان عرصه انتخاب فردی هنوز در دایره محدود طبقه اجتماعی و جنسیت است. کنشگران اگر چه آزادی انتخاب دارند اما این انتخاب توسط متغیرهای ساختاری و زمینه‌ای محدود شده است. همبستگی شدید هویت با طبقه اجتماعی و جنسیت در حوزه فراغت به معنای نفی تفاسیر پست مدرن در تمایزات اجتماعی متکثر مبتنی بر مصرف است [۲].

جان و کلی (۲۰۱۷) در تحقیقی تحت عنوان هویت جنسیتی، هویت اوقات فراغت و مشارکت اوقات فراغت، به این نتایج رسیدند: آنها تئوری هویت را برای بررسی روابط بین هویت جنسیتی، هویت اوقات فراغت و مشارکت اوقات فراغت تطبیق

^{۱۷} Jun, J, Kyle

دادند. بر اساس فرضیه تئوری هویت، فرض کردند که شدت مشارکت در گلف تفریحی با هویت جنسیتی (مردانه / زنانه) و هویت مرتبط با اوقات فراغت "گلف باز" پیش‌بینی می‌شود. در تحلیل‌های آنها این روابط را میان گلف بازان مرد و زن بررسی کردند. برای مردان، هویت مردانه اثرات مستقیم و غیرمستقیم بر مشارکت در گلف داشتند همچنین برای زنان، هویت مردانه غیرمستقیم بر فعالیت‌های اوقات فراغت تأثیر می‌گذارد، این یافته‌ها، بینش کلی را در مورد کاربرد تئوری هویت برای درک رفتارهای اوقات فراغت به طور کلی و همچنین تأثیر جنسیت به ویژه در اوقات فراغت ارائه می‌دهد [۳۰].

یونسی و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیقی تحت‌نوان رابطه بین سبک‌های هویت و فعالیت‌های اوقات فراغت در نوجوانان دریافتند که با توجه به نتایج این مطالعه، فعالیت‌های اوقات فراغت تأثیر قابل توجهی بر سبک‌های هویت نوجوانان دارد. بنابراین، خانواده‌ها و سازمان‌های مربوط به امور نوجوانان باید کیفیت فعالیت‌های اوقات فراغت را در نوجوانی کنترل کنند [۳۱].

کمپبل (۲۰۰۷) در تحقیقی تحت عنوان توسعه هویت نوجوانان با سبک زندگی و اوقات فراغت نشان داد که این مطالعه که بر روی هویت فردی و اجتماعی نوجوانی در مشارکت با اوقات فراغت انجام شده است که نتایج حاصل نشان می‌دهد که توسعه هویت پس از دوره نوجوانی رخ می‌دهد. و مشارکت اوقات فراغت را تاثیرگذار و معنی‌دار نشان می‌دهد. که توسعه هویت شخصی بیشتر مربوط به اوقات فراغت بوده است [۳۲].

نتیجه‌گیری

اوقات فراغت به عنوان یکی از عوامل اجتماعی و فرهنگی و حتی اقتصادی، اگر به صورت بهینه مصرف شود به گونه‌ای که رضایت را برای عامل صرف کننده به همراه داشته باشد، می‌تواند تأثیرات مثبتی را بر دیدگاه‌ها و تصورات فرد از جامعه، شرایط و آینده آن داشته باشد، و باعث شود که فرد به جامعه خود با دید امیدوارانه‌ای نگاه کند و این دلبستگی و انسجام و امیدواری به جامعه، بدون شک باعث تلاش و کوشش فرد در راه رسیدن جامعه به اهداف خود شده و باعث ارتقاء جامعه و بهبود وضعیت اقتصادی و رفاهی آن خواهد شد.

اوقات فراغت به عنوان یکی از اساسی‌ترین شاخص‌های سبک زندگی در دنیای خالی از معنای دوران سنتی، قادر است به بیانی برای هویت‌های فردی تبدیل شود. افراد می‌توانند با نوع گذران اوقات فراغت همان‌طور که ابزاری برای بیان هویت است، همزمان، هویت‌سازی می‌کنند. بنابراین نمی‌توان تمایز دقیقی میان ساخت و بیان هویت قائل شد. با به کارگیری آیتم‌های چگونگی گذران اوقات فراغت همزمان می‌توان هویت‌های شخصی، جنسیتی، گروهی، فرهنگی، ملی و ... را ساخت و منتقل کرد. در یک کلام می‌توان عنوان نمود که افراد و به ویژه جوانان و نوجوانان در مدرنیته‌ی متاخر، نحوی گذران اوقات فراغتشان را به عنوان بخشی از منابع فرهنگی لازم، برای جریان پیوسته‌ی هویت خود به کار می‌برند.

امروزه نحوه گذران اوقات فراغت را شاید از مهم‌ترین شاخص‌هایی بدانند که بهتر از هر چیز دیگر، حتی مشاغل افراد، گویای شخصیت واقعی آنان است. به این ترتیب، امروزه اوقات فراغت بدل به نیازی ضروری برای انسان‌ها شده؛ نیازی که در کنار کارکردهای کلاسیک خود، مبنائی برای هویت‌سازی و هویت‌یابی افراد فراهم آورده است. در نهایت باید نتیجه گرفت: هویت

^{۱۸} Younes et al

^{۱۹} Campbell

انسان در کنش متقابل با دیگران ایجاد می‌گردد و در جریان زندگی، پیوسته تغییر می‌کند. هویت، سیال، فرایندی، و واجد درجه‌ای از تأملی بودن است.

فعالیت‌ها و زمینه‌های فراغت خصوصا رایانه، اینترنت و ماهواره از مهم‌ترین عوامل تجربه و تعامل اجتماعی، ایجاد احساس هویت اجتماعی بوده و در تکوین شخصیت و هویت، تاثیرات ژرفی را بر جای می‌گذارند.

مهمترین نتیجه می‌تواند این باشد که، اولاً، هویت شخص، چیزی نیست که در نتیجه عضویت های گروهی یا تداوم کنش های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد، بلکه فرد باید آن را به طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت خویش به طرز بازتابی مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد؛ و، دوم اینکه، افعالیت‌های گذران فراغت یکی از ابزارهای اساسی است که فرد به وسیله آن روایت معینی از هویت خود را محفوظ می‌دارد، و در ورای همین روایت «در معرض دید» دیگران قرار می‌گیرد.

قدردانی

این مقاله با عنوان بررسی ارتباط بین نحوه گذراندن اوقات فراغت با هویت نوجوانان با کمک استاد دکتر فرهاد کینافر تدوین و ارائه شده است بدین وسیله قدردانی می‌گردد.

منابع

- ۱- عنایت، ح. و نرهای، ن. (۱۳۹۳)، " بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با میزان نحوه گذران اوقات فراغت زنان (مطالعه موردی زنان متأهل شاغل شهر نورآباد ممسنی)"، فصلنامه جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴، ۵۵-۳۳.
- ۲- ربانی، ر. و شیرینی، ح. (۱۳۸۸)، "اوقات فراغت و هویت اجتماعی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، " دوره دوم، شماره ۸، ۲۴۲-۲۰۹.
- ۳- نظریور، م. ت. و محمدی، ابوالفضل. (۱۳۹۴)، "شکل‌گیری هویت اجتماعی در گذراندن اوقات فراغت"، اولین همایش ملی گردشگری، جغرافیا و محیط زیست پاک. دانشگاه بوعلی سینا همدان، ۲۰-۱.
- ۴- گیدنز، آ. (۱۳۷۸)، "تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید"، مترجم: ناصر موفقیان، نشر نی.
- ۵- دیلینی، ت. (۱۳۸۸)، "نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی،" (بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، مترجم)، تهران، نشر نی.
- ۶- شاطریان، م. اشنویی، ا. و گنجی‌پور، م. (۱۳۹۱)، "تحلیل فضایی نحوه و میزان گذران اوقات فراغت(نمونه موردی بافت قدیم و بافت جدید شهر کاشان)،" فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، ۱۶۶-۱۴۲.
- ۷- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۴)، " برنامه ساماندهی اوقات فراغت جوانان،" تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان.
- ۸- افروز، غ. (۱۳۸۷)، " هنگامه‌های فراغت، زمینه‌ساز بهداشت روانی و بستر خلاقیت‌ها،" به نقل از: محمد مهدی صفورایی، بهینه‌سازی اوقات فراغت، زلال هدایت، ش ۲ پاییز، ۱۲۶-۱۲۷.
- ۹- یوسفی، ب. (۱۳۷۱)، "چگونگی گذران اوقات فراغت"، مدیریت درآموزش و پرورش، ش ۱۳، ۷۸.
- ۱۰- عبدلی، ب. (۱۳۸۶)، " مبانی روانی - اجتماعی تربیت بدنی و ورزش، ۱۷۹.

- ۱۱- عنایت، ح. و نره‌ای، ن. (۱۳۹۳)، " بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با میزان نحوهی گذران اوقات فراغت زنان (مطالعه موردی زنان متأهل شاغل شهر نورآباد ممسنی)"، فصلنامه جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴، ۵۵-۳۳.
- ۱۲- عبدلی، ک. و عبدلی، ز. (۱۳۹۶)، " بررسی نیازها و مسائل موثر در اوقات فراغت دانش‌آموزان"، مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، دوره ۳، شماره ۴، ۸۷-۶۹.
- ۱۳- افشارکهن، ج. و رضایی کرماجایی، م. (۱۳۹۶). بررسی نقش هویت اجتماعی در تعیین سبک زندگی جوانان (شهر همدان). مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، صص: ۱۸۸-۱۵۷.
- ۱۴- اکبری، ب. (۱۳۸۷)، "بحران هویت و هویت دینی"، پیک نور، سال ششم، شماره چهارم، ۲۱۹-۲۳۱.
- ۱۵- میرزاد، ا.پ. دم و نیازی، ک. (۱۳۸۹)، " هویت و بحران هویت دردوره نوجوانی"، پایان نامه کارشناسی ارشد، ریاست پوهنتون کابل، پوهنچی روانشناسی و علوم تربیتی دیپارتمنت روانشناسی.
- 16-Stets, J. E and Peter, J.B. (2000) , "Identity theory and social); Identity theory and social identity theory", *Social Psychology Quarterly* 63: 224-23.
- ۱۷- آلمان، ف. (۱۳۹۰)، "سیمای هویت اجتماعی جوانان ایرانی"، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوازدهم، شماره ۳، ۱۴۸-۱۲۱.
- ۱۸- رئیس، ف. (۱۳۸۶)، " نحوه گذراندن اوقات فراغت و ارائه راهکارهایی جهت بهبود کیفیت آن"، فصلنامه مطالعات فرهنگی- دفاعی زنان، سال سوم، شماره ۴، ۱۲۷-۱۰۷.
- ۱۹- حسین‌زاده، ع. باقری، م. و سلیمان‌نژاد، م. (۱۳۸۹)، " بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری هویت اجتماعی جوانان دبیرستانی شهر دهلران"، فصلنامه تخصص علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر، سال چهارم، شماره دهم، ۲۳۸-۲۱۱.
- ۲۰- شیخ، ا. (۱۳۹۵)، "معنای هویت و انواع آن"، مجله سلامت.
- ۲۱- شرفی، م. (۱۳۸۰)، " جوان و بحران هویت"، سروش.
- ۲۲- صفورایی پاریزی، م.م. (۱۳۸۶)، " هویت و انواع آن"، مجله دیدار آشنا.
- ۲۳- قادر زاده، ا و قادر زاده، ه. (۱۳۹۳)، "مطالعه پیمایشی عوامل فرهنگی - اجتماعی مرتبط با هویت ملی نوجوانان"، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۶، ۱۷۰-۲۰۵.
- ۲۴- میرساردو، ط. کاوسی، ا. و ابراهیم زاده، ر. (۱۳۸۸)، " بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی موثر بر بحران هویت جوانان"، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره اول، ۱۰۰-۷۷.
- 25-Ennaji, M.(2005) , "*Multilingualism, Cultural Identity, and Education in Morocco*," Springer Science & Business Media, 2005, pp.19-23
- ۲۶- حسینی، م.ح. (۱۳۷۸)، "نوسازی جامعه از دیدگاه امام خمینی‌قدس سره"، نشر عروج.
- ۲۷- حبیبی، س. و بلیلان اصل، ل. (۱۳۹۴)، " رابطه بین نحوه گذران اوقات فراغت و هویت ملی دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز"، همایش ملی فرهنگ گردشگری و هویت شهری، دوره یک، ۸-۱.

۲۸- دعاگویی، ف. (۱۳۹۲)، " نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان و رابطه هویت جنسی با آن. کنگره ملی اوقات فراغت و سبک زندگی جوانان، " دوره یک، ۴۴۵-۴۶۵.

۲۹- میرزایی ملکیان، م. (۱۳۹۰)، " رابطه بین نحوه گذران فراغت و هویت اجتماعی جوانان شهر تهران، " پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی.

30-Jun, J and Kyle, G. T. (2017), "Gender identity, leisure identity, and leisure participation," *Journal of Leisure Research*, 44(3), 353-378

31- Unesi ,Z. Nakhaee, S . Khazaie, T. and Amouzeshi, a. (2015) , "Evaluation of the relationship between identity styles and leisure time activities in adolescents," *Journal of Nursing and Midwifery Sciencess*. 2(4):51-60.

32-Campbell, J. (2007) , "*Adolescent identity development: the relationship with leisure lifestyle and motivation*," (Master's thesis, University of Waterloo).

